**٥٩ - کتاب تکوين و آيات آن و ابديّت قوّه مودعه در آنها**

از حضرت بهاء الله در لوحی است. قوله الاعلی: "از علوّ جود بحت و سمّو کرم صرف در کلّ شيئی ممّا يشهد و يری آيه عرفان خود را وديعه گذارده تا هيچ شيئی از عرفان حضرتش علی مقداره و مراتبه محروم نماند و آن آيه مرآت جمال اوست در آفرينش و هر قدر سعی و مجاهده در تلطيف اين مرآت ارفع امنع شود ظهورات اسماء و صفات و شئونات علم و آيات در مرآت منطبع و مرتسم گردد علی مقام يشهد کلّشيئی فی مقامه و يعرف کلّشيئی حده و مقداره و يسمع عن کلّشيئی الا انه لا اله الا هو."

و در لوحی ديگر در بيان حديث "المؤمن حی فی الدارين" قوله الاحلی: "معلوم آنجناب بوده که کلّ اسماء و صفات و جميع اشياء از آنچه ظاهر و مشهود است و از آنچه باطن و غير مشهود بعد از کشف حجبات عن وجهها لن يبقی منها الا ايه الله التی اودعه الله فيها و هی باقية الی ما شاء الله ربک و رب السموات و الارضين."

و در کلمات فردوسيه است. قوله الابهی: "فی‏الحقيقه فرق را برداشته‏اند و خود را حقّ پنداشته‏اند. حقّ مقدّس از کلّ در کلّ آيات او ظاهر آيات از اوست نه او در دفتر دنيا کلّ مذکور و مشهود نفش عالم کتابی است اعظم هر صاحب بصری ادراک مينمايد آنچه را که سبب وصول بصراط مستقيم و نباء عظيم است در تجلّيات آفتاب مشاهده نمائيد انوارش عالم را احاطه نموده ولکن تجلّيات ازو و ظهور اوست بنفس او نه نفس او آنچه در ارض مشاهده ميشود حاکی از قدرت و علم و فضل او است و او مقدّس از کلّ."